

## ترکیه و نقش آن در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

<sup>۱</sup> امیرحسین مهدی‌پور

<sup>۲</sup> رهبر طالعی حور

### چکیده

هدف اصلی در این مقاله بررسی نقش ترکیه در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بوده و سؤال پژوهش را هم می‌توان به این صورت بیان کرد که ترکیه چه نقشی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان داشته است؟ در پاسخ به سؤال پژوهش با استفاده از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ فرضیه‌ای به این صورت طرح می‌گردد ترکیه با به‌کارگیری سیاست‌های پان‌ترکیستی، همکاری‌های نظامی و حمایت‌های تسلیحاتی و پشتیبانی اطلاعاتی از جمهوری آذربایجان، تسهیل حضور نیروهای تکفیری در منطقه و حمایت از ایجاد کریدور زنگه‌زور در امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان نقش داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین هدف ترکیه در قفقاز حضور و نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی درازمدت است که این اهداف را با همکاری آذربایجان دنبال می‌نماید. علاوه بر پیوندهای زبانی، قومی و فرهنگی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه، ترکیبی از عوامل مختلف سیاسی، دفاعی و اقتصادی نیز در نزدیکی روابط دو کشور به یکدیگر تأثیر داشته که نقش مهمی در امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان داشته است. این پژوهش از نوع تبیینی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویس اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

### ▪ واژگان کلیدی:

امنیتی شدن، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، ترکیه، مکتب کپنهاگ.

---

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، جمهوری اسلامی ایران.

amirmehdipour52@gmail.com

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول و دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، جمهوری اسلامی ایران. R.Talei@uma.ac.ir

## مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی به دلیل مجاورت با دریای خزر و داشتن منابع غنی نفت و گاز و همچنین ترانزیت انرژی از اهمیت و ارزش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در میان کشورهای قفقاز جنوبی، آذربایجان از نظر برخورداری از ویژگی‌هایی مانند: اقتصاد روبه‌رشد، همگنی جمعیتی، قومیتی و فرهنگی با شمال غرب ایران، مهم‌ترین همسایه شمالی ایران محسوب می‌شود. به همین دلیل ایران و جمهوری آذربایجان تا حد زیادی دارای تاریخ، مذهب و فرهنگ یکسانی هستند. قلمرویی که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود، تنها در نیمه اول قرن نوزدهم و از طریق جنگ‌های روس و ایران از ایران جدا شد. در ناحیه شمال رود ارس، قلمرو جمهوری آذربایجان معاصر تا زمانی که توسط روسیه اشغال شد، قلمرو ایران بود. ایران و جمهوری آذربایجان هر دو کشورهای مسلمان شیعه هستند. آنها به ترتیب دارای بالاترین و دومین درصد جمعیت شیعه در جهان هستند و همچنین تاریخ تشیع که ریشه هر دو ملت است، دقیقاً از یک زمان در تاریخ شروع شده است.

درحالی‌که اکثریت جمعیت هر دو کشور همسایه آنها عمدتاً مسیحی یا سنی هستند. با این حال، تنش‌هایی بین دو کشور وجود دارد و این تنش‌ها ممکن است تحت‌تأثیر و نفوذ کشورهای مختلف باشد. یکی از کشورهایی که در چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نقش مهمی ایفا می‌کند، کشور ترکیه است. از جمله مهم‌ترین اهداف ترکیه در قفقاز می‌توان به حفظ وضعیت موجود، حضور در این منطقه، نفوذ اقتصادی، سیاسی و امنیتی در بلندمدت و همچنین مقابله با سیاست‌های ضد ترکیه‌ای در این منطقه است. ایران نسبت به نفوذ فزاینده ترکیه در قفقاز جنوبی و تلاش‌های این کشور برای گسترش ردپای خود در منطقه محتاط بوده و معتقد است سیاست‌های ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی باعث امنیتی شدن روابط کشورهای منطقه می‌شود.

بنابراین هدف این مقاله بررسی نقش ترکیه در امنیتی شدن روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان است که سؤال اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که ترکیه، چه نقشی بر امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان داشته است؟ در پاسخ به سؤال پژوهش فرضیه‌ای به این صورت بیان می‌شود که ترکیه با به‌کارگیری سیاست‌های پان‌ترکیستی، همکاری‌های نظامی و حمایت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی از جمهوری

آذربایجان، تسهیل حضور نیروهای تکفیری در منطقه و حمایت از ایجاد کریدور زنگه‌زور در امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان نقش داشته است.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و از نظر ماهیت و روش تحقیق تبیینی-تحلیلی است. با توجه به اینکه تحقیق رویکرد کیفی داشته، گردآوری داده‌ها با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای و پویس‌های اینترنتی انجام شده است و داده‌ها با استفاده از استدلال و تحلیل عقلایی به‌صورت کیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته است.

سازماندهی پژوهش به این صورت خواهد بود که ابتدا مفهوم امنیتی شدن در قالب نظریه مکتب کپنهاک به‌عنوان چارچوب نظری مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش دوم به روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان و نیز روابط ایران و جمهوری آذربایجان اشاره شده و در بخش مهم پژوهش، نقش ترکیه در امنیتی شدن روابط دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان تبیین می‌گردد.

**پیشینه پژوهش.** اعظمی و سلطانی (۱۳۹۶) در مقاله «پارامترهای سیاسی-امنیتی مؤثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان به ایران؛ با تأکید بر منطقه خودمختار نخجوان» بر این نظرند که با افزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های مرزی شمال غربی ایران با نخجوان، کاهش نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه در آذربایجان (نخجوان)، توجه به اشتراکات فرهنگی و مذهبی، از جمله عوامل مهم و مؤثر در افزایش وابستگی نخجوان به ایران در بعد سیاسی-امنیتی است.

کیانی و بیرانوند (۱۳۹۷) در مقاله «شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران با جمهوری آذربایجان» معتقدند عوامل واگرایی را می‌توان شامل ادعای آذربایجان بزرگ، تقویت پان‌ترکیسم؛ اختلاف در دریای خزر، بحران قره باغ و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان دانست و عوامل همگرایی را می‌توان شامل همسایه بودن؛ مشترکات تاریخی، قومی، فرهنگی و مذهبی تلقی کرد.

نوریان و گودرزی (۱۴۰۰) در مقاله «مطالعه تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان» بر این عقیده اند که هر دو کشور بر مؤلفه‌های زبانی و مذهبی در رابطه با این جمهوری تأکید دارند و در عین حال، تفاوت در سبک حکومت داری ایران و ترکیه همچنین جهت‌گیری سیاست خارجی آنها بر قدرت نرم دو کشور در جمهوری آذربایجان تاثیر گذاشته است. بر اساس نتایج این تحقیق، ترکیه برای پیشبرد قدرت نرم خود در جمهوری آذربایجان از مولفه‌های حکومت داری مذهبی، زبانی، قومی و عرفی

استفاده می‌کند. مولفه های قدرت نرم ایران در جمهوری آذربایجان شامل عناصر فرهنگی- مذهبی و رویکرد میانجی‌گری در جریان درگیری های جمهوری آذربایجان مانند بحران قره باغ می‌باشد.

کاظم‌پور و محمدی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان» بر این عقیده اند که داشتن ارتباط صحیح با جمهوری آذربایجان در گرو شناخت عوامل منطقه ای است. اختلافات، مشکلات و موانع دو کشور باعث به وجود آمدن فراز و نشیب‌هایی در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان شده است و جهت فائق آمدن بر چنین مشکلاتی، نیازمند تعدیل سیاست‌ها از سوی دوطرف می‌باشد.

محمدی و شفیع‌ی سروستانی (۱۴۰۰) در مقاله «تاثیر سیاست خارجه آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷م.» بر این باورند که جمهوری آذربایجان به دلیل کمبود پایگاه‌های قدرت از جمله: نبود عمق استراتژیک، جمعیت کم، جبران ضعف قدرت نظامی، به دنبال امنیت خود در خروج از نفوذ روسیه و پیوستن به غرب، به ویژه ناتو و آمریکا است. در نقطه مقابل، ایران در محور همگرایی منطقه‌ای و دور شدن از محور آمریکا حرکت می‌کند.

اطهری و رحمانی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی روابط ایران و آذربایجان؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» بر این نظرند که مشکلاتی از جمله؛ تبلیغات پان‌ترکیستی آذربایجان، روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی فشار ایالات‌متحده آمریکا، و ... باعث شده است تا دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان نتوانند به نحو احسن از ظرفیت‌های موجود خود برای همکاری استفاده کنند.

علی‌رغم ویژگی‌های همگرایی بسیاری (دین و مذهب مشترک، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، وجود پتانسیل‌های مناسب برای همکاری و...) که در روابط دو کشور وجود دارد و علی‌رغم تلاش برای بسط روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با این کشور، علل مختلف از جمله فشار ایالات متحده آمریکا، تبلیغات پان‌ترکیستی آذربایجان، روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی و... باعث شده است تا دو کشور نتوانند آن‌طور که باید از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط طرفین سرد باقی‌مانده است.

آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های انجام شده متمایز می‌کند نقش ترکیه در امنیتی شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان است که این موضوع سبب تمایز و نوآوری این تحقیق شده است.

**چارچوب نظری.** در ۳۰ سال گذشته، مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> و تئوری امن‌سازی آن به طور فزاینده‌ای در بحث آکادمیک در مورد گسترش امنیت (حرکت فراتر از ارتش) و عمیق‌تر کردن مجموعه اهداف مرجع آن (حرکت فراتر از انحصار دولت) به عنوان چیزی که می‌تواند تهدید شود، مرتبط شده است (Buzan & Hansen, 2009:187). آغاز این نظریه را می‌توان به مجموعه‌ای از مقالات توسط بری بوزان<sup>۲</sup> و اولی ویور<sup>۳</sup> دانست که در نهایت منجر به چاپ مقاله مهم با عنوان «امنیت، چارچوبی جدید برای تحلیل» شد (Buzan, 1998). که با چارچوب امن‌سازی با رویکرد سازه‌نگاری همسو می‌باشد و متعهد به چرخش گفتمانی و زبانی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی است. بوزان و اولی ویور دو شخصیت مهم مکتب کپنهاگ می‌باشند که در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی قرار دارند. بوزان یک نو واقع‌گرا و ویور یک واقع‌گرا ساختاری است. بنابراین همواره شاهد تاثیر اندیشه و آرای نواقع‌گرایی و واقع‌گرایی ساختاری در مطالعات امنیتی در مکتب کپنهاگ خواهیم بود (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). بوزان تاکید بسیاری بر شناخت مفهوم امنیت داشته است از نظر او درک صحیح مسئله امنیت ملی به درک صحیح از مفهوم امنیت بستگی دارد، در صورتی که تاکنون راهکار ساده‌اندیشانه به مفهوم امنیت، منجر به عقب ماندگی و توسعه نیافتگی آن شده است. از نظر بوزان، پنج عامل اساسی در عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مفهوم امنیت دخالت داشته است که عبارتند از: پیچیدگی موضوع، حل شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

امنیتی شدن یکی از مباحث مطرح و مهم در مکتب کپنهاگ است و تعریف امنیت به‌عنوان کنش کلامی مرکز ثقل این بحث است. امنیتی‌سازی مفهوم مهمی است که مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی وارد نمود. مکتب کپنهاگ استدلال می‌کند که امنیت امری مشخص نیست، بلکه از طریق تعاملات اجتماعی و گفتمانی بین‌الذهانی بین بازیگران قدرتمندی که تعاریفی از تهدیدات را مطرح می‌کنند و مخاطبان مرتبطی که این تعاریف را

<sup>۱</sup>. Copenhagen School

<sup>۲</sup>. Bari Buzan

<sup>۳</sup>. Ollie Weaver

تصدیق می‌کنند ساخته می‌شود (Buzan, 1998). در طول سال‌ها، نظریه امنیت ثابت کرده است که چارچوبی جذاب و نقطه شروعی برای محققان معاصر است که مفهوم هستی‌شناسی ماتریالیستی را به چالش می‌کشند و فلسفه، روش‌ها و پویایی‌های نهفته در پشت فرآیندها را آشکار می‌کنند (Bigo, 2014; Bourbeau, 2015).

ویور و بوزان به صورت بسیار موجز جان کلام نظریه امنیتی ساختن را در جملات فوق انعکاس می‌دهند. بر این اساس این نظریه در درجه اول امنیت را اقدامی گفتاری می‌داند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که مکتب کپنهاگ زبان را کار کردی می‌داند؛ از این رو معتقد است با بیان واژه امنیت وضعیت سابق تغییر می‌کند. بر همین اساس ویور نتیجه می‌گیرد که امنیت نشانه‌ای برای اشاره به واقعیت نیست، بلکه بیان خود یک اقدام و عمل است. به بیان واضح‌تر، آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود، همان چیزی است که زبان می‌سازد. در نهایت، امنیت پدیده‌ای مربوط به خارج و عینی نیست، بلکه نتیجه فرایند اجتماعی خاصی است (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۷۹).

کنش‌گر امنیت‌ساز تنها مرجع امنیت یک موضوع است و مفهوم کنش گفتاری نیز در اینجا معنا پیدا می‌کند. معمولاً بازیگر امنیتی شامل رهبران دولت‌ها، احزاب و امثال آن می‌شود و بازیگر کارآمد مانند یک مؤسسه تحقیقاتی است که در مسائل امنیتی ایده‌هایی را توسعه می‌دهد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). بوزان و ویور اعتقاد دارند که امنیت دولت‌ها به یکدیگر وابسته است و هر رویدادی بر امنیت هر دو طرف اثر می‌گذارد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۴). زیرا تهدیدها، فواصل کوتاه را به مراتب راحت‌تر از فواصل بلند پشت سر می‌گذارند در واقع از این امر، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که ضعیف‌تر بودن یک کشور نسبت به کشور همسایه خود دلیل بر عدم امکان تهدید نیست، بلکه به دلیل امر مجاورت آسیب‌پذیری امنیتی بیشتری از کشور ضعیف‌تر نسبت به خود قدرتمندتر نیز ممکن است داشته باشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶).

امنیت فرهنگی و اجتماعی یکی از ابعاد مهم امنیت در مکتب کپنهاگ است که مرجع در این بعد از امنیت «هویت» است با در نظر گرفتن ماهیت خاص این نوع هدف مرجع از نظر مکتب کپنهاگ، مرزبندی محکم و متمایزکننده میان تهدیدات وجودی و دیگر چالش‌ها در این بخش بسیار دشوار است؛ زیرا به طور طبیعی هویت‌های جمعی در پاسخ به توسعه داخلی و بیرونی تغییر و تحول می‌یابند. چنین تغییرهایی ممکن است شایع و بدعت‌آمیز باشند و منابع آن نیز تهدید وجودی به نظر آیند و یا ممکن است به‌عنوان بخشی از تحول

هویت مورد قبول واقع شوند. با در نظر گرفتن ماهیت محافظه کارانه هویت، همواره می توان چالش ها و تغییرها را به عنوان تهدیدی برای هویت ترسیم کرد؛ زیرا ما دیگر «خودمان» نخواهیم بود (عبداله خانی، ۱۳۹۰: ۷۳). بنابراین، هویت بیشترین قابلیت را برای امنیتی شدن در روابط کشورهای منطقه که قرابت تاریخی و فرهنگی دارند، خواهد داشت.

## ۱. روابط ترکیه با جمهوری آذربایجان

بعد از فروپاشی شوروی، ترکیه اولین کشوری بود که بلافاصله استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و تلاش کرد از خلأ ژئوپلیتیکی به وجود آمده، جهت افزایش نفوذ خود در جمهوری آذربایجان که اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی زیادی با این کشور دارد، استفاده کند. ترکیه از فعال ترین بازیگران منطقه ای در جهت تعقیب اهداف خود با بهره مندی از پیوندهای نزدیک، قومی، زبانی و فرهنگی در آسیای مرکزی و قفقاز بوده است. الگوی حکومت سکولار و متمایل به غرب ترکیه در اوایل استقلال جمهوری ها بسیار برجسته بود و علاقه مندی بسیاری را در منطقه ایجاد کرده بود. به طور مثال حیدر علی اف، رئیس جمهور آذربایجان به قدری به ترکیه مطمئن بود که برای مداوای بیماری خود در بیمارستان ارتش ترکیه بستری گردید (ملکی، ۱۳۷۷: ۴۸). هویت قومی زبانی و فرهنگی مشترک ترکیه و جمهوری آذربایجان، سنگ بنای روابط دو کشور بعد از استقلال جمهوری آذربایجان به شمار می رود؛ پیوندهای قومی و فرهنگی جمهوری آذربایجان و ترکیه روابط سیاسی دو کشور را فراسوی معیارهای واقع گرایی سوق داده است (یزدانی و خیری، ۱۳۹۶).

در دهه ۱۹۹۰، عمده ترین روابط دو کشور در ارتباط با حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در مقابل ارمنستان بود. از آغاز قرن حاضر، آنکارا و باکو با همکاری در زمینه پروژه های زیربنایی بزرگ در حوزه انرژی روابط خود را گسترش دادند. عمق این روابط در جنگ دوم قره باغ بیشتر شد و با اعلامیه شوشی به اوج خود رسید. این اعلامیه، نقشه راه آینده روابط دو کشور را ترسیم می کند و بر شعار یک ملت دو دولت باکو و آنکارا صحنه می گذارد. روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان که حیدر علی اف همواره از آن با عنوان «یک ملت با دو کشور» یاد می کرد، به جز مدت بسیار کوتاه امضای پروتکل عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه در سال ۲۰۰۹، از سطح بسیار بالایی برخوردار شد. باکو و آنکارا همواره نخستین مقصد سفر خارجی رهبران دو کشور پس از پیروزی در انتخابات در سه دهه گذشته بوده است. ترکیه با وجود برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان پس از فروپاشی

شوروی، آن هنگام که پیشروی نیروهای ارمنی در مناطق خارج از قره‌باغ را تهدیدی برای جمهوری آذربایجان می‌دید، اقدام به قطع روابط دیپلماتیک خود و انسداد مرزهای زمینی و هوایی با ارمنستان در سال ۱۹۹۳ نمود که تا به امروز ادامه دارد.

علاوه بر پیوندهای زبانی، قومی و فرهنگی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه، ترکیبی از عوامل مختلف سیاسی، دفاعی و اقتصادی نیز در نزدیکی روابط دو کشور به یکدیگر نقش داشته است. وجود پایگاه‌های نظامی روسیه در ارمنستان، خروج جمهوری آذربایجان از پیمان امنیت دسته‌جمعی در سال ۱۹۹۹ و نزدیکی بیشتر دفاعی - نظامی باکو به ترکیه به‌عنوان عضوی از پیمان ناتو، احداث خطوط متعدد نفت و گاز از جمله باکو - تفلیس - جیهان، خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم، مشارکت آذربایجان در سازمان کشورهای ترک به محوریت ترکیه و در نهایت تشکیل شورای مشترک همکاری‌های استراتژیک دو کشور، تنها بخشی از پیوندهای گسترده بین باکو و آنکارا در دو دهه گذشته به شمار می‌رود (New York Times, 2009). در سال‌های اخیر موضوع جنگ قره‌باغ یکی از مهم‌ترین موضوعات در روابط دو کشور بوده است. در ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۲۰ درگیری‌های گسترده‌ای بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ آغاز گردید. در این درگیری که بیش از ۴۴ روز و با تلفاتی از هر دو طرف ادامه داشت جمهوری آذربایجان موفق شد بیشتر سرزمین‌های از دست‌رفته خود را پس بگیرد. نکته اصلی در این جنگ، حمایت قاطع و کامل سیاسی نظامی ترکیه از این کشور بود از پهنادهای بیرکدار به‌عنوان کلید پیروزی جمهوری آذربایجان در این جنگ یاد شده و حمایت سیاسی و رسانه‌ای ترکیه نیز بی‌تأثیر نبوده است (Washington Post, 202).

## ۲. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

روابط ایران و جمهوری آذربایجان بر اساس شریعت اسلامی، دموکراسی و عواملی که دو ملت را از دیرباز به یکدیگر پیوند می‌دهد شکل گرفته است. روابط دیپلماتیک و سیاسی دو کشور از قرن بیستم آغاز شد. در مارس ۱۹۲۰ پس از نزدیک به سه ماه مذاکره در فضای تفاهم متقابل، جمهوری دموکراتیک آذربایجان توسط ایران به رسمیت شناخته شد و روابط دو کشور در سطح سفارت برقرار شد. لازم به ذکر است که در آن زمان ایران تنها کشوری بود که جمهوری دموکراتیک آذربایجان را به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخت. بر اساس پروتکل امضا شده بین دو دولت، آذربایجان کنسولگری خود را در شهرهای تهران، ارومیه، انزلی و مشهد و یک نمایندگی کنسولی در اهر احداث کرد. افتتاح بسیاری از

نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در آذربایجان نیز انجام شد. ایجاد آژانس‌ها و کنسولگری‌های فراوان توسط دو کشور نشان از گسترش روابط بود (Davoodi, 2016).

با اشغال آذربایجان توسط ارتش سرخ در سال ۱۹۲۰ و ایجاد حکومت سوسیالیستی، روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان تا سال ۱۹۹۱ قطع شد. اما این روابط در سال ۱۹۹۱ با اعلام جمهوری آذربایجان از سر گرفته شد. با استقلال از اتحاد جماهیر شوروی در ۸ دسامبر ۱۹۹۲، سفیر جمهوری آذربایجان استوارنامه خود را تقدیم رئیس‌جمهور ایران کرد. افتتاح رسمی سفارتخانه‌ها در پایتخت‌های دو کشور باعث بهبود روابط دو کشور همسایه شد. شرایط برای حل مشکلات عملی در راه توسعه روابط فراهم شد. با گذشت زمان، طرفین معاهدات، اسناد، موافقت‌نامه‌ها و یادداشت‌های تفاهم زیادی امضا کردند که نشان از گسترش روابط دو کشور دارد. سفرهای رسمی روسای جمهور موجب توسعه و پیشرفت روابط دو کشور همسایه شد. یکی از عواملی که بر روابط دو کشور تأثیر بسزایی گذاشت، توسعه روابط تجاری و اقتصادی مبتنی بر منافع متقابل از جمله سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) با گسترش منطقه‌ای و نوسازی فعالیت‌های آن، حفظ مرزها و تشکیل سازمان کمیته فرامرزی، تسریع در توسعه راه‌های ارتباطی و راه آهن شمال به جنوب و تامین زیرساخت‌های اقتصادی لازم بود. یکی دیگر از عوامل موثر در روابط ایران و آذربایجان، نقش فعال توده‌های وابسته مردم در حفظ پیوندهای فرهنگی از جمله برگزاری جشن‌ها از جمله عید نوروز است.

برای آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران فقط یک کشور عادی نیست. اول از همه، ایران همسایه جنوبی جمهوری آذربایجان است. این دو کشور حدود ۶۱۸ کیلومتر مرز زمینی مشترک داشته و در دریای خزر هم مرز مشترک دارند. هر دو کشور دارای ارزش‌هایی از گذشته مشترک خود و برخی عناصر فرهنگ مشترک هستند. آذربایجان بعد از ایران دومین جمعیت شیعه در جهان را دارد. عضویت هر دو کشور در سازمان‌های مسلمان و منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی و اگو، نشان‌دهنده همبستگی کشورها از نظر جغرافیایی و مذهبی است (Nassibi, 2014). ایران از همان اوایل استقلال جمهوری آذربایجان تلاش کرد از متمایل شدن باکو به واشنگتن جلوگیری کند و در بسیاری از موارد حتی بی‌مهری‌های مقام‌های آذری را نادیده گرفت تا شاید حسن‌نیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد؛ اما به‌ظاهر نگرانی مقام‌های جمهوری آذربایجان از ناحیه جمهوری اسلامی ایران آن قدر بوده که آنها را به سمت آمریکا سوق داد. طرح موضوع آذربایجان تقسیم شده به جنوبی و شمالی

از سوی جمهوری آذربایجان از عوامل مهم تأثیرگذار بر روابط تهران - باکو به شمار می‌رود. جمهوری آذربایجان، جمعیت آذری زبانی را در بر می‌گیرد که بخش بزرگ‌تر آن در ایران است. این موضوع در کانون برداشت‌های مربوط به روابط دو کشور قرار دارد. شاید اگر این جمهوری نام دیگری داشت، روابط دو کشور بیشتر بهبود می‌یافت (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۴).

به طور کلی می‌توان گفت که عوامل مهمی در سال‌های اخیر بر روابط این دو کشور تأثیر داشته است که به شرح زیر به آنها اشاره می‌گردد: روابط نزدیک ایران و ارمنستان؛ تعیین رژیم حقوقی دریای خزر؛ ایجاد آذربایجان بزرگ؛ اختلافات ایدئولوژیک؛ روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه با جمهوری آذربایجان؛ مداخلات آمریکا در سیاست‌های ج.آذربایجان؛ همکاری و نزدیکی آذربایجان با ناتو؛ اتهامات جاسوسی ایران و جمهوری آذربایجان به یکدیگر؛ موضع ایران در قبال بحران قره‌باغ؛ تلاش عربستان برای نفوذ در آذربایجان و موضع جمهوری آذربایجان در قبال برنامه هسته‌ای ایران.

### ۳. نقش ترکیه در روابط دو کشور

بوزان و ویور معتقدند که در سطح منطقه‌ای دولت‌ها به قدری به یکدیگر نزدیک هستند که نمی‌توان امنیت آنها را جدا از یکدیگر در نظر گرفت، بنابراین اندیشمندان مکتب کپنهاگ در بحث امنیت بر هم‌جواری کشورها تأکید دارند. ترکیه در ذیل راهبرد نوعثمانی‌گرایی خود روابط ویژه‌ای را با جمهوری آذربایجان برقرار کرده و همین امر بر امنیتی‌شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بوده که در ادامه به مهم‌ترین سیاست‌های ترکیه که به امنیتی‌شدن روابط دو کشور منجر شده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**سیاست‌های پان‌ترکیستی.** پان‌ترکیسم، یک جنبش سیاسی است که طی دهه ۱۸۸۰ در میان روشنفکران ترک شکل گرفت و هدف آن، اتحاد فرهنگی و سیاسی همه اقوام ترک است. بر پایه آن تمام مردمانی که ترک تبار هستند یا به زبان‌های ترکی سخن می‌گویند باید تحت یک ملت و رهبری واحد در دولتی واحد و مستقل متحد شوند (عنایت‌الله، ۱۳۸۳: ۲۱). پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم دو حرکت جداگانه اما مرتبط، توسط دو کشور همسایه و همجوار مناطق آذری کشور، از بیش از یک قرن گذشته، مورد پیگیری بوده و هر دو اقدامات تحریک‌آمیز را در مورد قوم آذری در دستور کار دارند. این حرکت‌ها به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال کشور آذربایجان و کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی، اشاعه بیشتری یافته است (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۳). پان‌ترکیسم از سوی محافل افراطی ترکیه هدایت و

سمت‌گیری می‌شود. ترکیه با توجه به سابقه‌ای که در زمینه تقویت و تبلیغ ایده پان‌ترکیسم از اواخر دوره امپراطوری عثمانی و آغاز تاسیس جمهوری ترکیه تاکنون دارد، از این جریان برای گسترش نفوذ مادی و معنوی خود در منطقه به‌ویژه منطقه قفقاز بهره می‌گیرد.

از مهم‌ترین اقدامات ترکیه جهت ترویج پان‌ترکیسم می‌توان به ایجاد سازمان کشورهای ترک، آکادمی بین‌المللی ترک، شورای تجارت ترک، اتاق بازرگانی و صنعت ترک، اتحادیه دانشگاه‌های ترک و بنیاد بین‌المللی میراث فرهنگی ترک اشاره کرد. هدف ترکیه از این قبیل اقدامات تقویت همکاری بین ترکیه و جمهوری‌های ترک در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی - آموزشی است. در همین راستا، ترکیه مدارس و دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در جمهوری‌های ترک‌زبان ایجاد کرده که اساس سیاست آموزشی این کشور است. یکی از اهداف مهم ترکیه، اتخاذ الفبای واحد و ایجاد نظام آموزشی مشترک بین کشورهای ترک‌زبان است. ترکیه از ابتدای دهه ۱۹۹۰، بر روی ایجاد الفبای یکپارچه کار کرده اما تاکنون به هدف نهایی خود نرسیده است. ولی همچنان این موضوع در دستور کار آنکارا قرار دارد. در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۲، در جریان نشست نمایندگان کشورهای عضو سازمان کشورهای ترک در بورسا، تصمیمی برای ایجاد «کمیسیون ایجاد الفبای واحد» در ساختار سازمان کشورهای ترک اتخاذ شد. هدف این کمیسیون دستیابی به وحدت زبانی در میان کشورهای ترک و پذیرش الفبای مشترک است. با در نظر گرفتن این فرایندها می‌توان به این نکته اشاره کرد که گام بعدی ایجاد مفهوم «تاریخ مشترک ترکان» خواهد بود (Nelli, 2022, 24-28).

امنیتی‌شدن روابط ایران و جمهوری آذربایجان ناشی از سیاست‌های پان‌ترکیسم در این پژوهش از این نظر مورد توجه قرار گرفته است که غالباً طیفی از تحولات غیردوستانه، هویتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مرزی بین این دو کشور بوده است. بر این اساس بیش از هر مؤلفه دیگری ترس از سوءظن و تهدید در روابط آنها وجود دارد و بر این اساس می‌توان الگوی روابط دو کشور را ترسیم نمود. مرزهای مشترک ایران با جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان، بستر مناسبی را برای تکمیل ناسیونالیسم آذری و پان‌ترکیسم فراهم می‌کند. طرح تشکیل جمهوری آذربایجان مفهوم وجدان ملی جداگانه آذری‌های ایرانی ترک‌زبان را تقویت کرده است، چیزی که در آغاز قرن بیستم نقش چندانی نداشت و این باعث تقویت احساسات ناسیونالیستی در دو سوی ارس شده است. عوامل ناسیونالیستی و جدایی‌طلبانه باعث تشدید مشکلات بین دو کشور می‌شود (کیانی و بیرانوند، ۱۳۹۷: ۷۵).

ایده پان ترکیسم گذشته از نیات ایران ستیزانه آن ابزاری برای هویت‌سازی و ملت‌سازی بود؛ زیرا دولت‌مردان آذربایجان برای هویت‌سازی نمی‌توانستند به گذشته تاریخی خود روی آورند. اسنادی چون قراردادهای گلستان و ترکمانچای نشان‌دهنده تعلق این سرزمین به ایران است. از این رو آنها مجبور شدند برای دور کردن مردم این کشور از آذری‌های ایران به تحریف تاریخ متوسل شوند. در این راستا نقشه‌هایی از جمهوری آذربایجان واحد از سوی حزب بتنی آذربایجان، حزب وابسته به علی‌اف در ۱۳۸۱/۲۰۰۲ به چاپ رسید (امیراحمدیان ۱۳۸۴: ۲۲۲). این نقشه‌ها بر اساس ایده تشکیل «آذربایجان واحد». استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، همدان و زنجان ایران را نیز در بر می‌گیرد. طرح ایده آذربایجان واحد بارها از سوی ایران مورد اعتراض قرار گرفته که از جمله می‌توان به واکنش ایران نسبت به موارد مطرح شده در کنگره جهانی آذربایجانی‌ها در مارس ۲۰۰۶ فروردین ۱۳۸۶ در باکو اشاره کرد (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۳).

تجزیه‌طلبی در کشورهای دارای مناطق ترک‌نشین، هسته مرکزی اقدامات و مواضع پان-ترکیسم را تشکیل می‌دهد. در این راستا می‌توان به بند نخست اساسنامه گروه «یئنی گاموح» (حرکت نوپیداری ملی آذربایجان جنوبی) اشاره کرد که در تعریف تشکیلات خود، هدف آن را مبارزه برای وحدت، آزادی، دموکراتیک شدن، پیشرفت و رفاه عمومی ملت ترک آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران) ذکر کرده است. همچنین در بند دوم اساسنامه حزب «گاسپ» (سوسیال دموکرات آذربایجان جنوبی) آمده است که آن حزب در راه آزادی و استقلال آذربایجان جنوبی، علیه حکومت جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند و جالب آن که این احزاب (گاموح و گاسپ) برای آذربایجان ایران (به‌زعم خودشان آذربایجان جنوبی) پرچم نیز طراحی کرده‌اند! (ابراهیمی و شاکری خوبی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲). در چند سال گذشته جمهوری آذربایجان با استفاده گسترده از شبکه ماهواره سمعی بصری همچون گون‌آذ تی وی<sup>۱</sup> در بر افروختن احساسات قوم‌گرایانه و تحریک به تجزیه‌طلبی تلاش نموده است. مسئولین سیاسی جمهوری آذربایجان به‌صراحت استان‌های آذربایجان شرقی و غربی ایران را آذربایجان جنوبی می‌نامند و تبریز را پایتخت تجاری مطرح می‌کنند. به این موضوع در برخی از کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان نیز به‌وضوح اشاره شده است. به‌تازگی نیز رادیو فارسی‌زبان جمهوری آذربایجان آغاز به کار کرده که این اقدامات به‌صراحت تهدیدی امنیتی و تمامیت ارضی ایران به‌شمار می‌رود (منصوریان، ۱۴۰۱).

<sup>۱</sup>. Gunaz TV

جمهوری آذربایجان در زمینه تضعیف وحدت ملی ایران و تقویت موضع خود در ارتباط با گسترش اندیشه پان‌ترکیسم در تمامی ابعاد آن فعالیت می‌کند. در این راه ترکیه و محافلی از آذری‌های ایرانی در تبعید، احزاب و تشکل‌های قوم‌گرای آذری را یاری می‌رسانند. دایره فعالیت آنان بسیار گسترده است و از رسانه‌های گروهی همچون تلویزیون‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌های خصوصی، مجلات تخصصی و علمی، کتاب‌های درسی، مقالات تحلیلی و دیگر آثار مکتوب، گردهمایی و همایش‌ها در داخل و خارج جمهوری آذربایجان بهره می‌گیرند. دولتمردان آذربایجان نیز در ابتدای شکست در جبهه قره‌باغ با استفاده از فرصت‌های ازدست‌رفته، ناکامی‌های خود را نه بر اساس نبود استراتژی نظامی و مدیریت درست منابع در اختیار بلکه در کمک ایران به ارامنه و میانجی‌گری ایران در جنگ قره‌باغ، نسبت می‌دهند. به همین سبب زمینه‌ای برای تبلیغات در بین مردم ناآگاه خود پدید آورده و از آن بهره می‌گیرند (وصالی مزین، ۱۳۹۰: ۱۰۹). پان‌ترکیسم با دامن زدن به عوامل واگرا، امنیت جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. با وجود تمرکز اکثریت آذری‌ها در منطقه شمال غرب کشور، اما تعداد قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها در سایر استان‌ها نیز پراکنده‌اند و واگرایی آن‌ها با حکومت مرکزی، امنیت ملی و تمامیت و حتی موجودیت کشور را می‌تواند تهدید کند (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۳).

به‌طور کلی می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان تحت‌تأثیر سیاست‌های پان‌ترکیسم ترکیه، سیاست‌هایی را در مقابله با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته که این سیاست‌ها به امنیتی‌شدن روابط دو کشور در سال‌های اخیر منجر شده است.

**همکاری‌های نظامی.** از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ کوهستانی همکاری نظامی و امنیتی و هماهنگی اطلاعاتی ترکیه و جمهوری آذربایجان گسترش یافت. وقوع جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ معادلات منطقه‌ای را برهم زده و پای نیروی‌های فراملی را به منطقه باز کرد. ترکیه نقش مهمی در حمایت نظامی و تسلیحاتی از جمهوری آذربایجان، به ویژه در جریان درگیری اخیر بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی ایفا کرده است. حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان شامل تامین تجهیزات نظامی پیشرفته از جمله پهپاد، موشک و سایر تسلیحات بوده است. حضور موثر مستشاران و پهپادهای «بایراکتار» ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ و آموزش نیروهای ویژه نظامی آذربایجان توسط افسران ترک به سبک نیروهای ناتو، معادلات نبرد را به نفع جمهوری آذربایجان تغییر داد (منصوریان، ۱۴۰۱). این حمایت نظامی باعث نگرانی ایران شده است، زیرا ایران دخالت ترکیه را تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه می‌داند.

داند. ایران مخالفت خود را با نظامی‌سازی منطقه اعلام کرده و خواستار حل مسالمت‌آمیز از طریق ابزارهای دیپلماتیک شده است. حمایت نظامی مستمر ترکیه از جمهوری آذربایجان، روابط این کشور با ایران را بیشتر تیره کرده و بر تنش‌های موجود بر سر منافع امنیتی آنها در منطقه می‌افزاید. این امر منجر به وخامت روابط ایران و ترکیه شده است و هر دو کشور درگیر جنگ لفظی و اتهاماتی بر سر نقش خود در درگیری شده‌اند. در مجموع، حمایت نظامی و تسلیحاتی ترکیه از جمهوری آذربایجان تأثیر بسزایی بر روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان داشته است. این امر به افزایش تنش‌ها و بی‌اعتمادی و پیامدهایی برای ثبات و امنیت منطقه کمک کرده است. در نتیجه، چشم‌انداز امنیتی در منطقه پیچیده‌تر و نامطمئن‌تر شده است.

پس از جنگ سال ۲۰۲۰ ترکیه نقش بسزایی در قفقاز جنوبی به دست آورد و به نحوی خط مشی و سیاست‌های جمهوری آذربایجان را به خصوص در عرصه خارجی و نظامی دپکته می‌کند. ساخت سه فرودگاه پیشرفته در قره‌باغ به وسیله ترکیه در وضعیتی که مردم غیر نظامی در آن منطقه وجود ندارد، حضور اردوغان در قره‌باغ و شهر شوشی، خواندن شعر رود ارس توسط اردوغان در اولین سالگرد پیروزی جمهوری آذربایجان در قره‌باغ، به وضوح حضور و نقش ایران در آن منطقه را کم رنگ و منافع جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته و تهدیدی برای امنیت ایران محسوب می‌شود. در نشست سران پنج کشور حوزه خزر در باکو توافق مهمی شکل گرفت. از این رو ممنوعیت حضور نیروی خارجی نظامی غیر از کشورهای ساحلی در دریای خزر تصویب شد. ولی جمهوری آذربایجان با برنامه‌ریزی، رزمایشی دریایی با حضور نیروهای نظامی ترکیه و پاکستان برگزار کرد که نه تنها نقض توافق میان کشورها را رقم زد بلکه تهدید بر امنیت دریای خزر و تمامیت ارضی و منافع ملی ایران را تثبیت کرد. رزمایش جمهوری آذربایجان با کشورهای فرامنطقه‌ای می‌تواند یک تهدید امنیتی برای ایران محسوب شود (منصوریان، ۱۴۰۱).

ولادیمیر آواتکوف<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه و آذربایجان: یک ملت - یک دولت؟» همکاری‌های ترکیه - آذربایجان را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فنی، فرهنگی و بشردوستانه مورد بررسی قرار داده و اشاره می‌کند آنکارا و باکو هر دو در حال ایجاد روابط دوستانه با کشورهای ترک آسیای مرکزی هستند. درعین حال، ارمنستان را به‌عنوان یک دشمن مشترک در نظر دارند. در حوزه نظامی، هر دو کشور به

<sup>۱</sup>. Vladimir Avatkov

دنبال تشکیل ساختارهای نظامی ترک‌محور و ایجاد ارتش یکپارچه ترک هستند. درحالی‌که ماهیت روابط اقتصادی آنها رقابتی است. در حوزه فرهنگی و بشردوستانه نیز ادغام جمهوری آذربایجان در ترکیه در حال گسترش است. نویسنده به این نتیجه می‌رسد که امروزه روابط دوجانبه ترکیه و جمهوری آذربایجان با «ادغام» دو کشور در یک فضای واحد با محوریت ترکیه پیش می‌رود. جمهوری ترکیه به دنبال نفوذ بر باکو است تا آن را به نقطه مرجع «جهان ترک» تحت پوشش خود تبدیل کند (Avatkov, 2022).

در جریان جنگ اخیر قره‌باغ مقامات سیاسی ترکیه به‌شدت از جمهوری آذربایجان حمایت نظامی و سیاسی کردند؛ این اقدامات در آینده منجر به این خواهد شد که سطح تعاملات و روابط میان ترکیه و جمهوری آذربایجان عمیق‌تر شود و شاهد حضور چشم‌گیرتر ترکیه در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز باشیم. بر مبنای قرارداد صلح نوامبر ۲۰۲۰، ترکیه نیروهای خود را در آذربایجان حفظ خواهد کرد و اکنون از طریق کریدور پیشنهادی نخجوان - آذربایجان، مستقیماً به دریای خزر دسترسی پیدا خواهد کرد. این برنامه هم‌چنین می‌تواند مستقیماً بر آسیای میانه تأثیر بگذارد که یکی از اهداف مورد علاقه رجب طیب اردوغان است (محمود اوغلی و دیگران، ۱۴۰۰). این امر به‌طور قابل‌توجهی به تحقق رؤیاهای ترکیه برای متحد کردن جهان ترک تحت رهبری آنکارا کمک خواهد کرد و گنجاندن این قرارداد در بیانیه سه‌جانبه ۱۰ نوامبر، برای ایجاد مسیرهای زمینی که نخجوان را در عرض سه سال به آذربایجان متصل می‌کند پیروزی روشنی برای ترکیه خواهد بود (Poghosyan, 2021).

دخالت ترکیه در مناقشه بر سر قره‌باغ بدون شک بعد جدیدی به ارمغان آورده است به‌گونه‌ای که هنگامی که جنگ آغاز شد، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور اعلام کرد که ترکیه "با تمام منابع و قلب خود" به حمایت از جمهوری آذربایجان ادامه می‌دهد. این شامل افزایش فروش سلاح به ارزش ۷۷.۱ میلیون دلار، هواپیماهای بدون سرنشین و آموزش افسران آذربایجانی و تاکتیک‌ها و بستن مرزهای با ارمنستان، توانایی آذربایجان در واردآوردن خسارت به نیروهای ارمنی را به میزان قابل‌توجهی تقویت کرد. در حقیقت دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان بر اساس بیانیه شوشا برای عادی‌سازی زندگی، به‌ویژه پاک‌سازی مناطق مین‌گذاری شده در مناطق آزاد شده از اشغال ارمنه، تبادل پرسنل برای تقویت توانایی‌های دفاعی و امنیتی نظامی، سازماندهی آموزش و تمرینات مشترک، افزایش قابلیت همکاری نیروهای مسلح دو کشور، همکاری نزدیک در مدیریت سلاح و مهمات بر

اساس فناوری‌های مدرن و فعالیت‌های هماهنگ نهادها و سازمان‌های مجاز برای نیل به این مقصود تأکید کرده‌اند (شریف‌زاده، ۱۴۰۰).

**تسهیل حضور نیروهای تکفیری در منطقه.** از سال ۲۰۱۷ نیروهای تکفیری با حمایت آنکارا و تل آویو در منطقه قره‌باغ حضور یافتند تا جایی که در جریان شیعه‌زدایی در جمهوری آذربایجان نیز فعال بوده‌اند. حضور گسترده تروریست‌های تکفیری سوری در نبردهای قره‌باغ اثبات این موضوع است، به طوری که در درگیری‌های خونین بسیاری از آنها کشته و تعدادی اسیر نیروهای ارمنی شدند، اسرای تکفیری به جذب از سوریه توسط سرویس اطلاعاتی ترکیه (میت) برای جنگ در قره‌باغ با دریافت مبلغ ماهیانه ۲۵۰۰ دلار اذعان کردند، در ردیابی و استراق سمع بیسیم‌های آذری‌ها، گفت‌وگوی عربی میان این نیروها با متن ترس و پشیمانی نمایان و به‌عنوان سندی غیر قابل انکار آشکار شد. حضور این نیروها در مناطق هم‌مرز با ایران پررنگ‌تر و مشهود بود و اطلاعات غیررسمی از عدم ترک بخشی از تروریست‌ها از منطقه با گذشت دو سال و تکاپوی جمهوری آذربایجان برای اسکان دائمی آنها همراه خانواده‌هایشان در قره‌باغ دارد که به وضوح تهدیدی بالفعل برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران را هویدا می‌سازد (منصوریان، ۱۴۰۱).

محمد جواد ظریف، وزیر وقت امور خارجه ایران، با اشاره به ناامنی‌های ناشی از انتقال تروریست‌ها به‌ویژه بقایای داعش به منطقه قره‌باغ و رایزنی‌های دستگاه دیپلماسی برای مقابله با آنان تأکید کرد: «درباره نیروهای تروریستی، تقریباً اطمینان داریم که آنها در میانه درگیری‌ها حاضر بودند و تأکید کردیم که این اقدام به صلاح هیچ‌کس نیست» (IRF, 2020). جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تروریست‌های مزدور در جنگ قره‌باغ، آن را یک تهدید تلقی کرده است اگرچه حضور تروریست‌ها در جنگ قره‌باغ تکذیب می‌شود، اما گزارش‌های موثق حاکی از آن است که تعدادی از تروریست‌ها در نزدیکی مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان مستقر هستند (بیکدلی، ۱۳۹۹) که حضور آنها در منطقه با حمایت ترکیه بوده است.

**تلاش برای ایجاد کریدور زنگه‌زور.** کریدور زنگه‌زور یک کریدور راهبردی، سیاسی و اقتصادی است جمهوری آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ با حمایت ترکیه مطرح کرده است. پس از جنگ دوم قره‌باغ جمهوری آذربایجان کنترل این منطقه را در اختیار گرفت. در جریان توافق آتش‌بس میان جمهوری آذربایجان با ارمنستان و طبق مفاد آن، بر سر یک مسیر زمینی برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان به جمهوری آذربایجان

توافق شده است که کریدور زنگه‌زور برای این هدف در نظر گرفته شده است. بنا به گفته مقامات بلندپایه این کشور کریدور زنگه‌زور تنها معطوف به راه‌آهن، جاده و حمل‌ونقل هوایی نیست؛ بلکه این کریدور در صادرات منابع انرژی هم نقش خواهد داشت (Lavrina, 2022). ایجاد دالان زنگه‌زور و انسداد مرز میان ایران و ارمنستان می‌تواند باعث گسترش سیاست‌های نظامی، اطلاعاتی، سایبری و ایدئولوژیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اطراف مرزهای شمالی ایران شود. در این میان نقش سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی علیه ایران بیشتر خواهد شد. با اجرای سیاست‌های امنیتی و سیاسی از طریق دالان مذکور نقش ایران در منطقه کم‌رنگ‌تر و حضور ایران به‌عنوان یک کشور با پتانسیل بالا رو به انزوا و انفعال پیش خواهد رفت (بمان اقبالی زارچ، ۱۴۰۱). به نظر می‌رسد هدف باکو و آنکارا از طرح دالان مزبور علاوه بر ایجاد تنگنای ژئوپلیتیکی برای جمهوری ارمنستان به دنبال محدود کردن قدرت ایران در منطقه از بعد تأثیرات قدرت نرم و گسترش نفوذ و فرهنگ خود در منطقه است (Beilinson, 2019: 137).

با توجه به تأکید مکتب کپنهاک بر مفهوم هویت، دالان زنگه‌زور می‌تواند راهروی بزرگ در جهت انتقال افکار و سیاست‌گذاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد که از طریق آن بتوانند سیاست‌های ایدئولوژیک پان‌ترکیسم، پان‌آدریسم و پان‌عثمانیسم و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تهاجمی ترکیه را در مرزهای شمالی ایران گسترش دهند و با تبلیغات سیاسی دو دولت و یک ملت نقش خود را در منطقه بیشتر کنند. کریدور زنگه‌زور، همچنین در جهت منافع جمهوری آذربایجان می‌تواند به‌عنوان یک پروژه امنیتی و راهبردی مدنظر باشد. حضور سلفی و تکفیری‌ها در منطقه قفقاز جنوبی و ارتباط‌گیری مستقیم جمهوری نخجوان با سرزمین اصلی این کشور از طریق این کریدور بیش‌ازپیش حضور نیروهای تروریستی را تقویت کرده و این امر می‌تواند امنیت منطقه و جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز به دلیل دارا بودن ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته و هر یک از آنها در صدد هستند با ایفای نقش فعال، منافع خود را تعقیب نمایند. یکی از کشورهای منطقه که اهمیت ویژه‌ای برای قفقاز قائل بوده، ترکیه است. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲

میلادی، سیاست خارجی آن کشور دستخوش تغییرات جدی شد، یکی از این تغییرات توجه به مناطق پیرامونی و کشورهای همسایه به منظور افزایش نقش و جایگاه ترکیه در این مناطق از جمله قفقاز جنوبی است که در این راستا تلاش نموده با برقراری روابط دوستانه و نزدیک با جمهوری آذربایجان سیاست‌های خود را در منطقه پیگیری نماید که نزدیکی روابط آن دو کشور می‌تواند منافع جمهوری اسلامی ایران را در منطقه تحت تأثیر قرار دهد. جمهوری اسلامی ایران تأمین امنیت و حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای را نیازمند همکاری و کنش مشترک همه کشورهای منطقه و بدون دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌داند در حالی که سیاست‌های ترکیه در منطقه در تقابل با نگاه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

مهم‌ترین هدف ترکیه در قفقاز حضور و نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی درازمدت است که این اهداف را با همکاری آذربایجان دنبال می‌نماید. علاوه بر پیوندهای زبانی، قومی و فرهنگی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه، ترکیبی از عوامل مختلف سیاسی، دفاعی و اقتصادی نیز در نزدیکی روابط دو کشور به یکدیگر نقش داشته و همین عوامل جمهوری آذربایجان را به یک کشور مهم منطقه‌ای برای ترکیه تبدیل نموده است. قرابت زبانی، قومی و فرهنگی بین دو کشور، زمینه را برای فعالیت‌های پان‌ترکیسمی فراهم کرده و از این منظر ایران در کانون تهدید هرگونه کنشی خواهد بود که در راستای تحقق مبانی این ایدئولوژی الحاق‌گرایانه انجام می‌گیرد.

ترکیه در حال سرمایه‌گذاری‌های گسترده در جمهوری آذربایجان برای افزایش نفوذ و تأثیرگذاری قومی و تحریک ترک‌های ایران برای تحقق اهداف تجزیه‌طلبانه و ایجاد آشوب و فتنه در سه استان شمال غربی ایران است. بنابراین، مواضع تجزیه‌طلبانه پان‌ترکیسم که از زبان برخی مقامات آذربایجان مطرح می‌شود، اقدامی تحریک‌آمیز در مورد قوم آذری بوده و تداوم این امر انسجام و وحدت ملی و به صورت کلی امنیت جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد. حمایت نظامی و تسلیحاتی ترکیه از جمهوری آذربایجان به افزایش تنش‌ها و بی‌اعتمادی منجر شده که این امر می‌تواند پیامدهای منفی برای ثبات و امنیت منطقه داشته باشد. در کنار دو مؤلفه فوق، تسهیل حضور نیروهای تکفیری در منطقه از سوی ترکیه و نزدیکی آنها به مرز جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تروریستی بودن آنها پیامد امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

## منابع و مآخذ

### فارسی

ابراهیمی، سجاد، شاکری خوبی، احسان (۱۳۹۴)، «بررسی گفتمان پان‌ترکیسم در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات علوم اجتماعی*، سال یازدهم، شماره چهل و سوم.

احمدی، حمید (۱۴۰۰)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه (غرب آسیا و شمال آفریقا)*، تهران، نشر نی.

اطهری، اسدالله؛ رحمانی، فاطمه (۱۴۰۱)، «بررسی روابط ایران و آذربایجان: چالش‌ها و فرصت‌ها»،

*فصلنامه مطالعات منافع ملی*، شماره ۳۰.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، *امنیت بین‌الملل فرصت‌ها تهدیدها و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲، تهران مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

بمان اقبالی زارچ، علی (۱۴۰۱:۶:۴) جنگ، نسخه ناباب حل و فصل اختلافات در قفقاز و آسیای مرکزی. قابل دسترسی در: [www.ipis.ir/portal/subjectview/695359](http://www.ipis.ir/portal/subjectview/695359)

چابکی، ام البنین (۱۳۸۸)، «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، *مطالعات اروسبیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۴.

شریف زاده، زهرا (۱۴۰۰)، «اهداف ترکیه در آذربایجان»، *مجله ایرانی روابط بین‌الملل*، قابل دسترسی در:

<https://www.iirjournal.ir/609->

عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰)، *کتاب نظریه‌های امنیت*، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

عنایت‌الله، رضا (۱۳۸۳). *پان‌ترکیسم*، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، چاپ اول، تهران کیانی، جواد؛ بیرانوند، رضا (۱۳۹۷)، «شناسایی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایران با جمهوری آذربایجان»، *پژوهش‌نامه مطالعات مرزی*، شماره ۳.

محمود اوغلی، رضا، ابراهیمی، مرتضی، فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۰)، «جنگ دوم قره باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها»، *نشریه علمی سیاست‌های دفاعی*، سال سی و یکم، شماره ۱۱۹.

ملکی، محمدرضا (۱۳۷۷)، «روابط ترکیه اسرائیل و آثار آن بر آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز* شماره ۲۴ زمستان ۱۳۷۷.

منصوریان، گفارد، (۱۴۰۱)، «واکاوی تهدیدات امنیتی جمهوری آذربایجان علیه امنیت و تمامیت ارضی ایران»، *سایت تحلیلی دیپلماسی ایرانی*، (۲۸ دی ۱۴۰۱).

وصالی‌مزین، یوسف (۱۳۹۰)، «چالش‌های پیش‌روی کشورهای مسلمان آذربایجان»، تهران، مرکز مطالعات اندیشه‌سازان.

یزدانی، عنایت اله؛ خیری، مصطفی، (۱۳۹۶)، «رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی با تاکید بر جمهوری آذربایجان»، فصلنامه علمی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸.

اعظمی، هادی؛ سلطانی، محسن (۱۳۹۶)، «بررسی پارامترهای سیاسی - امنیتی مؤثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان به ایران؛ با تأکید بر منطقه‌ی خودمختار نخجوان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۳.

شفیعی، اسماعیل؛ محمدی، سعید (۱۴۰۰)، «تاثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷م»، پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه، شماره ۲.

کاظم پور، ذکریا؛ محمدی، فرزاد (۱۴۰۰)، «بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره ششم، شماره ۶۸.

نوریان، زینب؛ گودرزی، مهناز (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و هفتم، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۶۴-۱۳۹.

بری، بوزان؛ الی، ویور (۱۳۸۸)، «مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیگدلی، علیرضا (۱۳۹۹)، «دیدگاه‌های رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران درباره جنگ قره باغ»، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی (IPIS) ۱۸ آبان ۱۳۹۹.

## لاتین

- Avatkov, V. (2022). Turkey and Azerbaijan: One Nation–One State? *Mirovaia ekonomika mezhdunarodnye otnosheniia*, 66(2), 90-100.
- Beilinson, O. (2019, Apr 19). «Turkish-Azerbaijani Relations. One Nation – Two States? *Comparative Southeast European Studies*, 67(1), 137-139. doi:https://doi.org/10.1515/soeu-2019-0009
- Bigo, D. (2014). **The (in)securitization practices of the three universes of EU border control: Military/Navy– Border guards/police– Database analysts.** *Security Dialogue*, 45(3), 209–225.
- Bourbeau, P. (2015). Migration, resilience, and security: Responses to new in ows of asylum seek-ers and migrants. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 41(12), 1958–1977.
- Buzan, Barry. (1998). **Security: A framework for Analysis.** London, BoulderlynnRienner
- Davoodi, T. (2016). Friendly Relations between Iran and Azerbaijan: A Review. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(5), 259.
- Iavrina, Anastasia. (2022, 8, 9). Zangezur corridor: New transport route to connect Europe and Asia. Retrieved from dailysabah: https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/zangezur-corridor-new-transport-route-to-connect-europe-and-asia
- Nassibli, N. (2014). **Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary).** Kennedy School of Government, Harvard University. Retrieved Oct 2015, Available at:

[http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan\\_iran\\_relations.html](http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html)

Nelli, M. (2021). **Pan-Turkism Manifestations of Turkey-Azerbaijan Military-Political Cooperation**. *Գիտական Արցախ/Научный Арцах/Scientific Artsakh*, (4 (11)), 44-53.

Poghosyan, Benyamin (2021). **Russia and Turkey role in the Karabakh conflict**, forum Einiges Europa

Radio France International (1 November, 2020)

Washington Post (2020), "Turkey's military campaign beyond its borders is powered by homemade armed drones "Available

[https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/turkey-drones-libya-nagorno-atkarabakh/2020/11/29](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/turkey-drones-libya-nagorno-atkarabakh/2020/11/29)

Buzan, B. & Hansen, L. (2009). **The Evolution of International Security Studies**, New York: Cambridge

Mark Lander and Sebnem Arsu, "After Hitch, Turkey, and Armenia Normalize Ties", **New York Times**, October 10, 2009.